



سیری در مطبوعات

## سادات و جنبش اسلامی مصر

با گسترش موج جنبش اسلامی در مصر، به ویژه پس از تحولات ایران و پیروزی انقلاب اسلامی در این کشور، سادات از توسعه جنبش اسلامی در مصر، سخت نگران شده است، و این نگرانی در تمام گفتگوها و دیدارهای خصوصی و عمومی وی، احساس میشود. از این رو سادات سازمان اطلاعاتی خاصی تشکیل داده است که وظیفه آن تعقیب و کنترل هرگونه جنبش اسلامی است که ممکن است در مصر منفجر شود و با الهام از انقلاب اسلامی ایران که رژیم دوست وی «محمد رضا پهلوی» را ساقط کرد، حکومت او را واژگون سازد.

ریاست این سازمان به عهده معاون نخست وزیر یعنی «حسن قهامی» است که در فراهم ساختن مقدمات سفر سادات به اسرائیل، نقش اساسی داشت و بعضی از محافل اسرائیلی او را نخستین سفیر آینده مصر در اسرائیل می دانند. علاوه بر این، او یکی از مهره های اساسی دستگاه اطلاعات ارتش و سازمان اطلاعات و امنیت عمومی مصر است که زیر نظر «ریچارد هلمز» رئیس سابق سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) اداره می شود.

چندی قبل هلمز طبق دعوت ویژه سادات وارد قاهره شد، تا اداره اطلاعات و امنیت مصر را از نو سازمان دهی کند تا با اوضاع بحرانی پس از پیمان مصر و اسرائیل متناسب گردیده، بتواند با جنبش اسلامی فزاینده مصر، مقابله کند.

(مجله حضارة الاسلام، سال، ۲، شماره ۴ چاپ دمشق)

## دین مسلح

شاعر و نویسنده معروف دنیای عرب « نزار قبانی » می گوید: امکان ندارد که دینی فاقد « تعهد » یا دارای عنصر « بی طرفی » باشد، بلکه جوهر و اساس دین این است که طرفدارانسان باشد. همچنین امکان ندارد که دین، در حالت بی طرفی میان خیر و شر بوده فقط سرگرم بحث درمنازیک و فلسفه و مسائل ماوراء طبیعت باشد.

« مزامیر داود » نمی تواند فاجعه آوارگان کامبوجیا و ویتنام را در میان امواج دریا متوقف سازد، عهد عتیق نمی تواند از اقدام اسرائیل برای احداث شهرکهای جدید یهودی نشین در ساحل غربی رود اردن و غزه و جولان جلوگیری کند یا از درهم کوبیدن فلسطینی ها تا نابودی آخرین نفر، با هواپیماهای اف-۱۵ مانع شود.

موقمی که « دلال مغربی » در برابر خانه خود در فلسطین مجروح و نقش زمین شد، انگشتان « مریم مجدلیه » نتوانست زخمهای او را لمس کند!  
بنابراین وقتی که دین بدون اسلحه نمی تواند هیچ مشکلی از مشکلات بشر را حل کند، یگانه راه، پیروی از « دین مسلح » است!  
نویسنده آنگاه اضافه می کند:

آیا حاضرید اندکی بامن به آغاز ظهور اسلام برگردید؟ اسلام موقمی توانست در جنگ بدر پیروز شود که حرکت مسلحانه را در پیش گرفت، مسلمانان نتوانستند به مکه برگردند و حکومت قریش را ساقط سازند، مگر موقمی که نیروی خود را منظم ساختند، تمرین های نظامی را تکمیل نمودند و نیروی ایمان را با نیروی استراتژی های نظامی همراه ساختند ...

(مجله المجتمع سال ۱۰ شماره ۴۵۹ - چاپ کویت)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

## بازی ابرقدرتها

درومان هنگام که اتحاد جماهیر شوروی در حوادث بخشی مهمی از جهان از آنگولا واقع در اقصی نقاط غرب آفریقا گرفته تا افغانستان در اقصی نقاط شرق آسیا، مداخله می کند، ایالات متحده امریکا سیاست کنار آمدن با حوادث راکه بخشی از شیوه « پرکردن شکافها » میباشد در پیش گرفته است.

این سیاست به صورت های گوناگون اعمال می شود که یکی از آنها ایفای نقش سابق شوروی در اواخر سال ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م یعنی عدم مداخله مستقیم نظامی و تشویق دوستان اروپائی و غیراروپائی به مداخله مستقیم بجای این کشور، می باشد.

شیوه دیگر این سیاست عبارتست از بستن پیمان با چین و ژاپن و دامن زدن به اختلاف های داخلی در اردوگاه سوسیالیسم در دوازدهم از یکسو، و از سوی دیگر برقرار

ساختن روابط غیر رسمی با نیروهائی که همکاری مستقیم با آمریکا را رد می‌کنند، با نیروهائی که آمریکا نمی‌تواند رسماً با آنها همکاری کند. این کار از طریق مؤسسات غیردولتی آمریکائی صورت می‌گیرد، بدین ترتیب که رجال و نمایندگان سازمان های آمریکائی از طرف سازمان های غیر دولتی آمریکا، به مسئولان این کشورها به منظور کسب نظر با دعوت برای بازدید از آمریکا تماس می‌گیرند و از این طریق تمایل آنان را بسوی آمریکا جلب می‌کند.

علاوه بر این آمریکا به روابط خود با دولت هائی که به شوروی گرایش دارند، ادامه داده از طریق کمکهای مالی و تکنولوژی، رضایت آنان را جلب می‌نماید تا شوروی نتواند در برابر آمریکا و امها و کمکهای کافی به این کشورها بپردازد.

اکنون آمریکا سیاست جدید خود در آفریقا ادامه داده زمینه را برای کوبا و شوروی خالی می‌گذارد تا دولت هائی مانند آنگولا و اتیوپی که گرفتار درگیری هستند، استقرار یابند، وقتی که «نیگو» در آنگولا و «منگستو» در اتیوپی احساس کردند که وضع داخلی شان استقرار یافته و درگیرشان با دشمن تمام شده است، بسوی غرب و آمریکا توجه خواهند شد تا با تعادل نفوذ شوروی و غرب بتوانند از کشورهای غربی کمکهای بگیرند که شوروی قادر به پرداخت آن نیست.

چند ماه پیش سناتور آمریکائی «ماگفوفرن» به آنگولا سفر کرد و آقای «نیگو» رهبر مارکسیست این کشور، از وی به گرمی استقبال نموده اظهار داشت که برای مالکیت خصوصی احترام قائل است و از سرمایه‌گذاری های خارجی به گرمی استقبال می‌کند. از این گذشته صدور نفت آنگولا به غرب و آمریکا هنوز قطع نشده است و رهبران آمریکا امید دارند که رژیم «منگستو» در اتیوپی پس از استقرار اوضاع، همین روش را در آینده در پیش بگیرد زیرا تماس‌ها مابین او و ایالات متحده آمریکا هنوز قطع نشده است.

(مجله حضاره الاسلام سال ۲۰ شماره ۴)

\* \* \*

### معامله سیاسی هرگز

اشغال جاسوس‌خانه آمریکا در تهران و گروگان گرفتن عده‌ای از جاسوسان آن کشور تمام خبرهای جهان را تحت الشعاع قرار داده و بصورت بحران پیچیده‌ای درآمده است. شاید پیچیدگی بحران باین دلیل باشد که امریکائیان بدروال گذشته خود، عادت کرده‌اند که در برابر بروز بحرانها با کشورهای خاورمیانه و بطور کلی با کشورهای جهان سوم، امتیازاتی بخواهند، بدون اینکه کوچکترین امتیازی بآنها بدهند و زمانی که این کشورها امتیازات را دادند ناگهان مسائل هر چند مهم و پیچیده باشد حل میشود !!

اینکه مشکل اساسی امریکائیان اینست که گمان میکنند از امام خمینی نیز میتوانند امتیاز بگیرند در حالیکه تمام اقدامات امام از روی یک از تبعید به ایران باز گشته است - نشان داده که هرگز اهل معامله بوده و پستان نبوده و هیچگاه

## هم آماده دادن امتیاز نیست .

مشکل دیگر آمریکا این است که از دست هیچک از هم پیمانانش در خاورمیانه کاری ساخته نیست. نه اسرائیل میتواند کاری بکند و نه از مصر کاری برمیآید و نه هم پیمانان سنتی دیگرش بنا بر این امریکا بخاطر ایجادشکاف در خط مشی سیاسی ایران و به اصطلاح خود، تزلزل در هیئت امام خمینی طی روزهای اخیر به بسیاری از لشکردهای سیاسی دست زده و میزند غافل از اینکه اوضاع ایران بصورتی درآمده که ایجاد چنین شکافی در حال حاضر کار ساده‌ای نیست تاریخ معاصر هرگز واقعه‌ای چنین پیچیده که هم اکنون بین ایران و آمریکا پدید آمده بخود ندیده است تا رئیس جمهوری آمریکا بتواند باراهای سیاسی و یا اعمال چادوگرانه گذشته در حل آن اقدام کند و یادستکم پیشنهادی ارائه دهد .

در گذشته بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی چندین مورد مبادله جاسوسی صورت گرفته بود اما این مبادلات در چارچوبی بود که هیئت وحیثیت دو کشور را حفظ میکرد .

درباره مسأله ایران و آمریکا وضع بصورتی درآمده که هرگونه راه‌حلی که ایالات متحده انتخاب کند این معنارا دربر دارد که این کشور باید مقدار زیادی حیثیت خود را از دست بدهد .

اگر ایالات متحده از راه حل خشونت و شدت عمل برای نجات گروگانهای خود در تهران استفاده کند و متوسل بقدرت نظامی شود احتمال زیاد می‌رود که در دریای انقلاب اسلامی غرق شود، ضمن آنکه این امر باعث خواهد شد بمب ساعتی که در خاورمیانه کاشته شده منفجر شود و قیل از هر کس آمریکاییان را نابود سازد .  
بایای این انفجار، تمام شهر و ندان آمریکائی نیز که هم اکنون در کشورهای اسلامی بصرمی برند آماج خطرات پیش‌بینی نشده‌ای برای طرفداران امام خمینی در این کشورها خواهند بود .

اگر امام خمینی در مقابل ابراز دشمنی با ایالات متحده دست دوستی با اتحاد شوروی درازا میکرد برای امریکائیا ساده بود که در چارچوب «بازی تقسیم مناطق زیر قوذ در دنیا» با روسها وارد مذاکره شوند و مسأله را به ذکلی که قابل پسند هر دو طرف باشد حل کنند اما امام خمینی در هارا بروی روسها نیز بسته است. بدیهی است هر چند امام نسبت به ایدئولوژی روسها حالت خصمانه‌ای دارد اما چون روسها در بلاهائیکه در طول حکومت شاه سابق بوسیله آمریکابر سمرلت ایران وارد آمده شریک نبوده است آن حالت دشمنی را که با امریکائیا دارد نسبت بانها ندارد .

اگر در ایران نظامی بوده که حاضر به گفت و شنود با ایالات متحده میشد برای این کشور آسان بود که در چهارچوب «تبادل منافع» مسأله گروگانها را حل کند اما در ایران امروز موج مغلیمی وجود دارد که قبل از رسیدن به ساحل و استقرار در آن، ایالات متحده توانائی رو بروئی با آنرا ندارد، و اگر مناسبات انقلابیون عرب با انقلاب ایران خوب بود باز آمریکا میتواند بوسیله آنها با ایران معرجه مشترکی را بیابد، اما مناسبات بین انقلابیون عرب و

انقلاب ایران بصورتی است که انجام چنین برنامه‌ای نیز ممکن نیست.

اگر ایران دارای منافعی در ایالات متحده میبود گمان میرفت که بوسیله سلاح «ردو بدل منافع» هر دو طرف به هدف مشترکی برسند. در اینجا ضروری است اشاره رود که آقای «کارتز» هر چه دنبال منافع ایران در ایالات متحده گشت چیزی را بدست نیاورد، جز اینکه دانشجویان ایرانی مقیم در ایالات متحده را یاقت که در نتیجه تمام خشم و غضب خود را بر سر آنها خالی کرد. افکار عمومی آمریکا باید احساس درد ورنج بی نظیری را کرده باشد موقعی که رئیس جمهوری خود را میدید که بجای رسیدگی به موضوع موشکهای روسی در کوبا به اداره اقامت بیگانگان دستور میدهد که به وضع ایرانیان مقیم آمریکا رسیدگی کند! یک چیز دیگر میماند: اینکه ایالات متحده برای بار دوم در حسابها و تخمینهای خود دچار اشتباه شده است. بار اول موقعی بود که انقلاب اسلامی ایران را دست کم شمرد و گمان کرد با آوردن شاپور بختیار میتواند این انقلاب را مهار کند اما دیدیم که چگونه امام خمینی با اورفتار کرد و همچون توفانی حکومت او را، ناگهان از جا کند. برای بار دوم هم آمریکا گمان برد که میتواند از شاه بیمار! در آمریکا پذیرائی کند و امام خمینی در برابر یک امر انجام شده هیچ کاری از دستش برنمیآید ولی دیدیم امام، آنچنان عملی انجام داد که ظاهراً محاسبه بازیهای سیاسی همه دولتها را بهم ریخت و خلاصه اینکه هنوز امام خمینی فرمانروا و تنها تصمیم گیرنده این واقعه است.

(ترجمه و تلخیص از المستقبل چاپ پاریس بنقل از کیهان شماره ۱۰۸۶۴)

\* \* \*

## اسلام در شوروی

اعلام اسلام بعنوان یک مذهب در شوروی موجبات نگرانی و تشویش خاطر رهبران کرملین را فراهم خواهد کرد. این امر که مارکسیست - لنینیستها مذهب را انیون جامعه دانسته و آنرا حاصل استعمار یک طبقه توسط طبقه دیگر میدانند، حالا به مرحله ای رسیده اند که در شوروی که می پندارند بیش از، عسال است که دیگر اختلاف طبقاتی در آن وجود ندارد، مذهب نه تنها حق حیات پیدا کرده بلکه گسترش نیز می یابد این مساله جامعه شناسان شوروی را به فکر می اندازد و اگر بخوبی این مساله را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند به تنها نتیجه ای که می رسند اینست که طرز برداشت مارکسیست - لنینیستها از رفتار انسانی صحیح نیست این امر آنها را وامیدارد که معتبر بودن بسیاری دیگر از تئوریهای مارکسیست لنینیستها را که اصول اعتقادی آنهاست مورد شک و سؤال قرار دهند.

اسلام با ادامه حیات خویش، در واقع قسمتی از نیرویها را در این امر که خود سبب بیداری و مقاومت ملت های تحت تسلط امپریالیسم شوروی - که ادامه دهنده همان سیاست نزاری ولی بامتداهائی ماهرانه تر و خشن تر است بدست می آورد.

شوروی خود را بزرگترین مدافع منافع ملت های ستمدیده که بسیاری از آنها طرفدار اسلام هستند می داند و همواره میکوشد تا به دنیا بقبولاند که اسلام واقعاً طرف دشمن است بلکه از پشتیبانی و تشویق دولت شوروی برخوردار است و این وظیفه به عهده کسانی که بیش از

همه صلاحیت انجام آنرا دارند یعنی خود مسلمانان سپرده شده است. در شوروی چهارشورا وجود دارد که کار آنها مراقبت نمودن در اوضاع نیازمندیهای روحی حدود ۵ میلیون مسلمان است که اصولاً در روسیه اروپا، در سیبری، در سرتاسر قفقاز، در آسیای مرکزی تا قزاقستان بعنوان مهمترین ناحیه آن مستقر هستند. چهارمین شورا مربوط به تاشکند است که سه چهارم تمام مسلمانان شوروی را در خود جای داده است. هر موقع که مقامات مسکو مایل باشند رهبران مورد احترام مسلمانان مخصوصاً رهبران تاشکند را که بمقتضای این مقامات مانده‌های یک موجود محکوم به فنا هستند بزرگ جلوه میدهند و ادامه حیات آنها را ناشی از بزرگواری و پیشنگری دولت شوروی میدانند!

معذالك براحتی میتوان فهمید که این نغمه‌های عاشقانه در حقیقت يك «حقه بازی» بیش نیست که فقط قادر است افراد خیلی ساده و بی اطلاع را فریب دهد.

آنچه مسلم است مقامات شوروی منابع بسیار عظیم مادی و انسانی را برای مبارزه با اسلام بکار میگیرند و تمام فعالیتهای فرهنگی که بوسیله دولت رهبری میشوند متکی هستند بر اردوگاههای ضد اسلامی که در بعضی از نواحی مثل داکستان دایر می باشند. اما علیرغم تمام این کوششها مسلمانان بمعتقدات خود کاملاً پای بند بوده و جنبش اسلامی که بشدت بوسیله مقامات شوروی محکوم میشود، پیروز نمندانه به پیش میرود. این موضوعی است که اخیراً توسط دو جامعه شناس غربی با استناد به اطلاعات رسمی غیر رسمی نشان داده شده است.

آنچه خیلی قابل توجه است مشارکت وسیع زنان در این گروهها نه فقط به عنوان يك عضو ساده بلکه بعنوان رهبر می باشد.

**در حال حاضر کمتر از ۳۰۰ مسجد رسمی در شوروی دایر است در حالی که این تعداد در ۱۹۱۷ حدود ۲۴۰۰۰ بوده است!**

علیرغم تمام اینها اسلام محکم و باثبات بایر جاست و حتی مستحکمتر از دیگر مذاهب در شوروی. طبق آمارهای سال ۱۹۷۴، ۴۶٪ از جمعیت روستائی جمهوری داکستان و ۶۳٪ از کل جمعیت جمهوری چین مسلمان هستند، دره قایسه با ۱۲٪. از جمعیت شوروی که مسلمان هستند. در همان سال ۲۱٪ از جمعیت جمهوری چین بدون مذهب بوده در حالی که در تمام شوروی این رقم ۶۹٪ بوده است.

مسأله دیگر برای کمونیستهای شوروی، افزایش سریع مسلمانان است؛ بین سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۷۰ - (یعنی ۱۱ سال) تعداد مسلمانان شوروی حدود ۴۵ تا ۳۵٪. افزایش یافته در حالی که روسها افزایشی حدود ۱۳٪. داشته اند بر اساس آمارهای گذشته تخمین میزنند که در پایان قرن بیستم حدود ۱۰ میلیون مسلمان در برابر ۱۰۰ میلیون روس وجود خواهد داشت.

(روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۱۴۰)